

قرآن پژوهان

سیری در زندگی مفسر کبیر آیة الله میرزا جواد آقا تهرانی (قدس سره)

محمدتقی چیت ساز

در سرمقاله شماره اول وعده کردیم که یکی از بخشهای مجله را به زندگانی مفسران و قرآن پژوهان ویژه خواهیم ساخت. اکنون در این شماره زندگینامه و روش تفسیری عارف وارسته، مفسر نیک نهاد خراسان، حضرت آیة الله میرزا جواد آقا تهرانی را می آوریم. بزرگمردی که سالها بر کرسی تدریس تفسیر، پگاه جستجوگران معارف قرآن را با انفاس قدسی و حقایق قرآنی عطر آگین می ساخت. تفسیر تنبّه آفرین و آموزنده آن بزرگوار متأسفانه تدوین نگشت، اما یاد و نام ارجمند وی از خاطره کسان بسیاری که از آن محفل نورانی بهره ها گرفتند هرگز سترده نخواهد شد.

مفسر و فقیه وارسته، آیة الله میرزا جواد آقا تهرانی، در سال ۱۲۸۳ هـ.ق. در تهران، در خانواده ای مذهبی چشم به جهان گشود. پس از گذراندن دوران دبستان و سیکل، برای تحصیل دانش دین، به قم، هجرت کرد. در آن حوزه، به جدیت به تحصیل پرداخت و پس از فراگیری مقدمات و بخشی از سطوح، رهسپار نجف اشرف شد. در حوزه نجف، از محضر بزرگانی چون: آیة الله شیخ مرتضی طالقانی، آیة الله حاج شیخ محمدتقی آملی، آیة الله سیدشهاب الدین مرعشی نجفی، رحمة الله علیهم، بهره های علمی و اخلاقی فراوانی برد. پس از گذراندن مراحل عالییه، به تهران بازگشت. در تهران، زیاد درنگ نکرد. پس از ازدواج، در سال ۱۳۱۲ هـ.ق. به مشهد مقدس، عزیمت کرد، تا در جوار مرقد امام علی بن موسی الرضا(ع)، از محضر بزرگانی چون: آیة الله حاج شیخ هاشم قزوینی و آیة الله میرزا مهدی غروی اصفهانی فیض برد. به مرور ایام، طلاب و فضلاء، به مرتبت و جایگاه علمی

و معنوی این شخصیت و الا قدر، آشنا شدند و برگردش حلقه زدند. آن مرحوم، بنا بر مصلحت و نیاز حوزه علمیه مشهد، به تدریس دروس سطح، خارج فقه و اصول، فلسفه و معارف قرآنی پرداخت.

آن مرحوم، از خود، کتابهای تحقیقی و اعتقادی ارزشمندی به یادگار گذاشته، به شرح زیر:

۱. میزان الطالب، در دو جلد.

۲. آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی.

۳. فلسفه بشری و اسلامی.

۴. عارف و صوفی چه می گویند؟

۵. بهایی چه می گوید؟

۶. بررسی در پیرامون اسلام.

این نوشته ها، در پاسخ گویی به مسائلی که در جامعه مطرح بوده، تنظیم یافته است. استاد، ابتدا محتوای این نوشته ها را برای خیل شاگردان مشتاق، به بحث می گذاشت، آن گاه، به صورت کتاب به بازار دانش عرضه می کرد.

اخلاق و سلوک

استاد، محبوب دلها بود. عام و خاص، به وی گرایش و علاقه ویژه داشتند. همگان، مجذوب روحيات و سجایای اخلاقی وی بودند.

نفس خویش را دائماً در کنترل داشت. این را می شد از رفتارش فهمید. در گفت و گو، پاسخ به پرسشها، برخورد با افراد، اظهار نظر، رفت و آمد، جلوس و...

به آرامی سخن می گفت، بعد از لختی تفکر، به پرسش پاسخ می داد. سعی فراوان داشت که در لحن و کلامش، تحقیر و آزار دیگری نهفته نباشد و از وی کسی نرنجد.

مراقب بود که تمام حرکات و سکناتش، بر اساس انگیزه الهی و به عنوان امتثال امر خداوند باشد. از این روی، برجسته ترین خصلت ایشان که دائم در آن غرق بود و آنی غافل نبود، مراقبت دائم از هواهای نفسانی بود.

نظرات علمی

در مسائل علمی از تقلید به دور بود. در هر مسئله ای، با جدیت و تلاش، به تحقیق

می پرداخت، از این روی، در بسیاری از مسائل، نظر خاصی داشت. در اصول، تبحر ویژه ای داشت. یک دوره کامل خارج اصول را تدریس کرده بود. به نظر وی، اصول فعلی، زیاده از حد مورد نیاز بسط و گسترش یافته بود. ایشان در هنگام درس اصول، مباحث اضافی و غیر مورد نیاز را مطرح نمی کرد. در ققه، به خاطر توجه خاص به آیات و روایات ائمه (ع)، کندوکاو بسیار و هوشمندی خاص خویش، به نظرات نو و بکری دست یافته بود:

۱. عدم حرمت نظر به وجه و کفین، بدون قصد تلذذ.

۲. عدم نحاست اهل کتاب و عرضی بودن نحاست برای آنان.

۳. جواز نکاح دائمی با اهل کتاب.

در فلسفه، که به درخواست گروهی از فضلا، یکی - دو دوره شرح منظومه را تدریس کرد، به روخوانی و حل فهماندن عبارات به شاگردان و توضیح و تشریح نظر مؤلف، بسنده نمی کرد، بلکه با بسیاری از مباحث، نقادانه برخورد می کرد. در تفسیر، روشها و نکته نظراتی داشت که به تفصیل، در بخش بعدی بدان خواهیم پرداخت.

فعالیت‌های اجتماعی

او، با همه زهد و ورع، اشتغال فراوان و عشق وافر، به کارهای علمی و فرهنگی و تتبع و تحقیق، از مشکلات و مصائب مردم مسلمان و مسائلی که در اطرافش می گذشت، غافل نبود. در رفع حوائج مؤمنان، بسیار می کوشید، تا آن جا که گاه، خود، برای حل مشکل مؤمنی اقدام می کرد.

در انقلاب اسلامی ایران، از آغاز شکل گیری، تا پیروزی نهایی، از هیچ کوششی دریغ نکرد.

با حضور در صحنه های گوناگون انقلاب: تظاهرات، اعتصابات و... به محفلها گرمی می بخشید و به انقلابیون امید.

در اطلاعیه های ضد دستگاه ستمشاهی، نام و امضای او، در رأس بود. در شناساندن امام، رحمة الله علیه، و رسم و راه آن بزرگوار، بیشترین نقش را داشت. بسیاری از متدینین، اظهار می داشتند:

«ما، امام را نمی شناختیم. آیه الله میرزا جوادآقا تهرانی، مارا با آن شخصیت بزرگ و اهداف او، آشنا کرد.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در صحنه های حساس و پرخطر، حضور جدی و فعال داشت. در مجلس خبرگان و دفاع عالمانه از قوانین انسان ساز اسلامی، نقش عظیمی داشت. وجود او، در عرصه های گوناگون انقلاب اسلامی، مهر تأییدی بود به حقانیت انقلاب. این را هرکس با نفوذ و جایگاه آن مرحوم در میان مؤمنان و متدینان مشهد، آشنا باشد، خیلی خوب درک می کند.

خاطره شیرینی که هیچ گاه فراموش نخواهد شد، حضور آن عارف سالک با لباس بسیجی در جبهه های حق علیه باطل است.

ایشان، بارها در جبهه حضور یافت و گاه از عمق جان، اظهار می داشت:

«کاش، دشمن را می دیدم و به سوی او، شلیک می کردم.»

در سال ۱۳۵۸ برای بیعت با امام، رحمة الله علیه، و پشتیبانی از اهداف مقدس و والای آن حضرت، در جمع علما، به قم عزیمت کرد.

و پس از رحلت جانگداز آن بزرگمرد، همراه جمعی از علمای مشهد مقدس، در تأیید و پشتیبانی از مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای، اطلاعیه ای صادر کردند.

سرانجام، در سال ۱۳۶۸ ه.ش. در سحرگاه سه شنبه، به علت بیماری کبد، دارفانی را وداع کرد و به جوار حق شتافت. عاش سعیدا و مات سعیدا. رحمت خدا بر او باد.

در پایان فرزای از وصیت نامه آن مرحوم را می آوریم که بسیار آموزنده است:

«جسدم را در قبرستان عمومی خارج شهر، یا محل مباحی خارج شهر، هرکجا باشد،

دفن کنید.

علی ای حال، جسدم را، به زودی و بدون سروصدا و اطلاع دادن به اشخاص و مردم،

باید... دفن نمایند.

فرزندان من، هر موقع خواستند برای من خیراتی بدهند، مختصر نماز و روزه ای بگیرند،

خوشحال خواهم بود. ان شاء الله»